

اندیشه‌های عرفانی در شعر عصامی

دکتر عزیزبانو*

چکیده: عصامی یکی از بزرگترین شاعران فارسی قرن هشتم بود که در دهلی متولد شد. در عهد سلطان محمد بن تغلق شاه از دهلی به دولت‌آباد دکن رفت و وابسته درگاه سلطان حسن بهمن شاه شد و به اشاره او در سال هفتصد و پنجاه هجری تاریخ هند را در قالب شاهنامه فردوسی و به نام فتوح السلاطین سرود. فتوح السلاطین یکی از شاهکارهای ادبیات هند است که در آن وقایع تاریخی حدود چهارصد سال هند، از آغاز فتوحات محمود غزنوی تا عهد خود عصامی، آورده شده است.

کلیدواژه: عصامی، دکن، فتوح السلاطین، تاریخ هند.

عصامی از بزرگترین شاعران فارسی بود که در قرن هشتم هجری در دکن می‌زیست. او در سال ۷۱۱ هجری در دهلی متولد شد و هنگامی که سلطان محمد بن تغلق شاه دولت‌آباد را دارالخلافه اعلان کرد، عصامی از دهلی با دیگر ساکنان دهلی به دکن انتقال یافت و در دولت‌آباد ساکن شد و به درگاه شاهی سلطان حسن بهمن شاه، مؤسس سلسله بهمنیه، وابسته شد و به فرمان آن سلطان در سال ۷۵۰ هجری تاریخ هند را، در قالب شاهنامه فردوسی، به نام فتوح السلاطین نظم کرد. این مثنوی یگانه اثر عصامی

است که باقی مانده است. وی در فتوح السلاطین از اسلوب و وزن شاهنامه فردوسی استفاده کرده است.

فتوح السلاطین شاهکار بزرگی ادبیات تاریخی هند و واجد تاریخ منظوم عهد وسطای هند است که در آن وقایع تاریخی در حدود چهارصد ساله هند نظم شده است، یعنی از آغاز فتوحات محمود غزنوی در هندوستان تا عصر خود عصامی، یعنی زمان سلطان محمد بن تغلق و سلطان حسن بهمن شاه دکن.

عصامی از سبک متقدمان، مخصوصاً از فردوسی طوسی و نظامی گنجوی، پیروی کرده و روان و ساده سروده است.

واقعاً مثنوی فتوح السلاطین شعر رزمی است که در آن مطالب حماسی به تفصیل دیده می‌شود. در بیان مضامین رزمی عصامی، سبک فردوسی آشکارا دیده می‌شود.

در فتوح السلاطین همراه بیان فتوحات و کشورگشایی سلاطین هند، عصامی مطالب اجتماعی و اندیشه‌های عرفانی و حکیمانه را هم توضیح می‌دهد. فطرتاً عصامی صوفی است و تمام وقایع تاریخی را با نظر عارفانه می‌بیند و از آن عبرت می‌گیرد.

او در ضمن بیان تاریخ، برای وقوع آن توجیهات عارفانه می‌آورد و پند و اندرز می‌دهد. خواننده را چندین بار از ناپایداری دنیا و بی‌ثباتی این روزگار و از کم‌مایگی این دنیای دون خیردار می‌کند و آگاه می‌سازد، تا صفات نیکوکاری و خداترسی را در خصلت مردمان جا بدهد.

عصامی از فتوح السلاطین برای مردمان زاد و توشه آخرت می‌سازد و آنان را به سمت نیکوکاری سوق می‌دهد تا نجات اخروی بیابند.

کسی نیست آگه ز پایان راه	که در پیش کوهست یا ژرف چاه
رهی مشکل و رهروان در سفر	شب تیره و ازدها برگذر
در افسانه گشتم چو کارآگهان	که آسان شود راه بر هم‌رهان
پی رهروان توشه پرداختم	پی هم‌رهان مرکبی ساختم

عصامی برای تأمین ثواب آخرت، اندیشه‌های عرفانی را به عنوان شکر خداوند تعالی، اثر توبه صدق، تقوی و نفس‌کشی، میهمان‌داری و جود و سخا و غیره بیان کرده است و برای زندگانی بهتر در این جهان هم، افکار اخلاقی و نکته‌های اجتماعی را توضیح داده است، مانند احترام پدر و مادر، دوست‌داری، دست‌گیری دوستان، سعی دایم و غیره.

بعضی از اندیشه‌های عرفانی عصامی در اینجا آورده می‌شود:

۱- درباره بی‌ثباتی روزگار:

عصامی در شعر خودش بر نکته بی‌ثباتی و ناپایداری روزگار بسیار تأکید کرده است و خواننده را جا به جا از بی‌مایگی این جهان آگاه می‌سازد، تا مردمان در حُب دنیا، از خدای تعالی غافل نشوند. زیرا این جهان و همه مردمان این جهان، شاه باشند یا گدا، همه درخور فنا هستند، به جز ذات حق سبحانه تعالی. بنابراین، جز حق سبحانه، هیچ چیزی شایسته عشق نیست و جستجوی حق بر ما لازم است. در نظر عصامی فقیری از عیش و ثروت پادشاهی خوشتر است، که در فقیری آدم کاملاً به سوی حق تعالی متوجه می‌شود:

همین است انجام کار جهان	بدانند هر جا که کارآگهان
تسبی را که اندر دواجی کشید	سری را که در زیر تاجی کشید
یکی روز آن تن در آرد به خاک	یکی روز آن سرکشد در مفاک
به نزد فقیری ز شاهی خوش است	ز گردن‌کشی خاک راهی خوش است
شه از بیم جان و جهان درهم است	فقیر از غم این و آن بی‌غم است ^۱

* * *

ازین رو درین عالم بی‌وفا	نبستند دل اهلِ ملکی ولا
سر از تاج شاهی و گردن‌کشی	کشیدند با صد رضا و خوشی

نه آمیدی از عالم خاک‌شان نه بیمی ز دورانِ افلاک‌شان^۱

* * *

عصامی دربارهٔ اختلافاتی که در رفتار زمانه وجود دارد، خیلی متأسف می‌گردد. کار و بار این جهان برای همهٔ مردم یکسان نیست، در قسمتِ کسی غم و رنج می‌آید و در قسمتِ دیگری شادی و خرمی نهاده شده است:

یکی را کنی غرق در جوی آب یکی را گشتی تشنه اندر سراب
که از ماتم این، کنی سوراو که از ظلمتِ آن دهی نور او^۲

* * *

کسی خنده می‌زد کسی می‌گریست در آفاق ازین هر دو آن‌دار کیست
به یک خانه ماتم به یک خانه سوراو همی شد درین جنتِ پرقصور^۳

* * *

چنین است کار جهان تا جهانست به روز شبش، سوراو ماتم نمانست
کند روز و شب همچو بازی گری ز سوراو یکی ماتم دیگری
بسازد ز مرگِ خری برگِ سگ به کرمان دهد برگ از مرگِ سگ^۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲- دربارهٔ شکرِ خداوندِ تعالی: *جامع علوم انسانی*

عصامی عقیده دارد که بر هر نفس شکر خدای تعالی لازم است، اولاً به سبب اینکه خالقِ باری او را اشرف مخلوقات آفریده و بر مردمانِ نعمت یافته و خوش‌بختان، شکرِ کثیر واجب است برای نعمت‌های خداوند که در قسمتِ آنها آمده است. هیچ کس نباید از شکر خداوندِ تعالی غافل گردد:

مباش ای خردمندِ فرخنده رای همه حال غافل ز شکر خدای

۳. همان، همان‌جا.

۲. همان، ص ۱۰۸.

۱. عصامی: ص ۲۰۰.

۴. همان، ص ۳۱۷.

کسی کو سر از شکرِ یزدان کشید
همه نعمتش سر به نقصان کشید
نگویی به جز شکر هر روز و شب
ز گفتارِ دیگر بسبندی دو لب
فریضه است بر جمله شکرِ خدا
خصوصاً که بر منعم و پادشاه^۱

* * *

۳- درباره توبه صدق:

عصامی درباره توبه صدق می‌گوید که آن برای گنه‌کاران اکسیر شافی است. اگر کسی پیش خدای تعالی، از گناهان خودش به صد عجز و انکسار، و حضور قلب توبه نماید، خدای تعالی او را از تمام گناه‌ها پاک می‌سازد:

همان به که توبه کنیم از گناه
بسئالیم بر آستانِ اِلَه
چو گردیم از توبه صدق پاک
نهم از سرِ عجز سرها به خاک^۲

* * *

۴- درباره رضای والدین:

در ضمن واقعه تاریخی که پسر بلین، شهزاده محمد خان، در جوانی کشته می‌شود، عصامی توجیهات حکیمانه و اخلاقی می‌آورد و درباره ارزش رضای پدر و مادر در پیرانه سری می‌گوید که شهزاده فرمان پدر پیر نبرد و سرانجام به سن پیری نرسید:

میازار جانِ پدر ای پسر
کسه آزده گردی ز آه پدر
اگر خواهی از عمر خود برخوردار
همان به ز حکم پدر نگذری
رضای دلِ پیر جو ای جوان
کزین ره به پیری رسیدن توان^۳

* * *

۵- درباره سعی داریم:

جستجویِ دائم و جهد لاینقطع برای کامرانی و کامیابی لازم است. عصامی در ضمن ذکر سلطان محمد غوری و کوشش‌های بی‌ثمر او در هند، و آخر کار موقفیت او، این نکته را بیان می‌کند:

سراز کوشش و سعی آن پرمتاب	بکاری که دل بندی ای کامیاب
دو صد بار دیگر تو جوینده گرد	دو بارت اگر بخت نومید کرد
که بر از رسد دست جویندگان ^۱	چه گفتند خوش خاکی شویندگان

* * *



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی